

گزینه ۳

۱

در گزینه ۳ شَرٌّ: به معنی "بدی" است و اسم تفضیل نیست ولی در سایر گزینه‌ها به معنای "بدتر" و "بدترین" و اسم تفضیل است؛ و از راه‌های شناختن آن: کلمه "حَیْر" و "شَرٌّ" اگر بعدشان "مِنْ" بیاید یا خودشان "مضاف" واقع شوند و بعدشان "مضاف‌الیه" بیاید؛ اسم تفضیل هستند.

گزینه ۴

۲

أَقْرَبُ شَخْصٍ: اسم تفضیل است به معنی: نزدیک‌ترین شخص ← که در گزینه‌های ۱، ۲ و ۳ غلط ترجمه شده است.
در گزینه ۳: نزدیک‌ترین فرد به من کسی است نیز غلط است.
إِنْ كَانَ بَعِيداً ← "اگر چه دور باشد"؛ که در گزینه‌های ۱، ۲ و ۳ غلط ترجمه شده است.

گزینه ۳

۳

در گزینه ۳ ← أَحْسَنُ / أَحْسَبُ ← فعل امر باب افعال است و اسم تفضیل نیست.

گزینه ۳

۴

بررسی گزینه‌های دیگر:
گزینه ۱: کلامه: کلامش - سخنش
گزینه ۲: لا تَقْدِرُ أَنْ تَدِيرَ إِلَّا رَأْسَهَا: فقط سرش را نمی‌تواند بچرخاند.
گزینه ۴: طَلَبُ: فعل مجهول است. ← خواسته شد.

گزینه ۴

۵

فَرَزْتُ: فعل ماضی اول شخص مفرد (متکلم و حده) و به معنی قرار گذاشتم - خودش گزینه‌های ۱ و ۳ را رد می‌کند.
المتحف: یک اسم مفرد است: موزه ← که گزینه‌های ۲ و ۳ را خارج می‌کند.
در گزینه‌های ۲ و ۳ ضمیر "من" معادل عربی ندارد. ضمن اینکه "صُغْرَى" صفت و اسم تفضیل به معنی کوچک‌تر است که در گزینه ۳ غلط آمده است.

گزینه ۳

۶

گزینه‌ای که در آن اسم تفضیل نیست را مشخص کن.
در تمام گزینه‌ها "أَهْدَى" به معنی "هدایت‌گر" اسم تفضیل است ولی در گزینه ۳ ← فعل ماضی باب افعال است ← "هدیه داد"

با واژه "سنگین‌تر" که اسم تفضیل است دو گزینه ۲ و ۳ خارج می‌شوند و ترازو نیز معرفه است که در گزینه‌های ۱ و ۲ به صورت نکره "میزان" آمده است.

"چیزی" نکره است که در گزینه‌های ۱ و ۲ به صورت معرفه "الشيء" آمده است.
خوی - مفرد است = خُلِقَ - در گزینه‌های ۲ و ۳ به صورت اخلاق و جمع آمده است.

در گزینه ۱: أَكْبَرُ - اسم تفضیل
در گزینه ۲: أَحْسَنُ - اسم تفضیل
در گزینه ۴: أَكْرَهُ - اسم تفضیل
ولی در گزینه ۳ "أَحْسَبُ" - فعل امر است. "تیکه کن"

أَعْلَمُ النَّاسِ - داناترین مردم - ترکیب اضافی است و مضاف "ال" نمی‌پذیرد. - گزینه‌های ۲ و ۳ غلط هستند.
عالم‌ترین - صفت تفضیلی است و چون هم صفت تفضیلی است و هم با "الناس" ترکیب اضافی، بین آن حرف "مِنْ" غلط است. - گزینه‌های ۳ و ۴ غلط هستند.

اسم تفضیل و اسم مکان را خواسته است.
گزینه ۲: مَكْتَبَةٌ - اسم مکان
اَكْبَرُ - اسم تفضیل (جمع) است.

بر اساس قاعده، برای مقایسه دو اسم مؤنث از اسم‌های تفضیل بر وزن "أَفْعَلُ" یعنی اسم تفضیل مذکر استفاده می‌شود. در این عبارت باید اسم تفضیل به صورت مذکر "أَفْضَلُ" بیاید چون در حال مقایسه کردن بین "الأعمال" - جمع مُكْتَسَبٌ غیرعاقل که در حکم مفرد مؤنث است؛ هستیم. اسم تفضیل هرگاه بخواهد صفت برای یک اسم مؤنث قرار گیرد، به صورت مؤنث یعنی با وزن "فُعْلَى" می‌آید.

"خیر" زمانی اسم تفضیل است که به معنای خوب یا خوب‌ترین باشد اما در گزینه ۱ مصدر بوده و به معنای خوبی است.

در این گزینه، "أَحَبُّ: دوست دارم" یک فعل مضارع و از صیغة للمتکلم وحده است نه اسم تفضیل!
ترجمه عبارت: معلمانی را که باکارهای خود به مردم سود می‌رسانند، دوست دارم!
اسم‌های تفضیل در سایر گزینه‌ها: به ترتیب عبارت‌اند از أَفْضَلُ [مفردش: أَفْضَلُ] / أَتَقَلُّ / أَحَبُّ
ترجمه سایر گزینه‌ها:

گزینه ۱: برترین‌های ما کسانی هستند که دانش را دوست دارند و به آن عمل می‌کنند!

گزینه ۳: خوش‌خلقی، سنگین‌ترین کارها نزد خداوند از بندگانش است!

گزینه ۴: محبوب‌ترین برادران ما (دوستان ما) کسانی هستند که ما را با سخنی نرم و لَیِّنْ به فهمیدن عیب‌هایمان راهنمایی می‌کنند!

در این گزینه "أَعْلَمُ" فعل مضارع است.

اما اسم تفضیل در سایر گزینه‌ها:

گزینه ۱: أَتْقَى ← اسم تفضیل ← أَتْقَى النَّاسِ ← پرهیزگارترین مردم

گزینه ۲: أُنَجِّحَ ← اسم تفضیل ← أُنَجِّحُ التَّلَامِیذَ ← موفق‌ترین دانش‌آموزان (شاگردان)

گزینه ۴: أَحْسَنَ ← اسم تفضیل ← أَحْسَنُ لَوْنٍ ← بهترین رنگ

"مَنْ" شرط بر سر دو فعل می‌آید و یا یک فعل که جواب آن می‌تواند جمله اسمیه باشد.

و اگر بر سر فعل مضارع بیاید؛ فعل مضارع را مجزوم می‌کند و به معنی "هرکس" می‌باشد.

در گزینه ۱: "مَنْ" استفهامیه به معنی چه کسی؟

در گزینه ۳: مَنْ موصول به معنی کسی که

در گزینه ۴ ← نیز مَنْ موصول است و اگر شرطیه بود ← "يَجْتَهِدُونَ" می‌بایست به صورت مجزوم می‌آمد.

روش شناختن "ما"ی شرطیه: فعل‌های بعدازآن اگر مضارع باشند مجزوم هستند - در جواب شرط نیز اگر فعل نباشد با "فای جواب" شروع می‌شود.

در گزینه‌ای که یک فعل دیده می‌شود و جواب شرط نیز وجود ندارد مثل گزینه ۲ - و اگر "حتی تری" یا "حتی أُلُوقِعَ" جواب شرط بودند با "ف" شروع

می‌شوند. (رد گزینه‌های ۱ و ۳)

بعد از أفعال اسم تفضیل، مضاف‌الیه می‌آید.

در گزینه ۲؛ چرا می‌گویید آنچه را که به آن دانشی ندارید. ما ← مفعول

در گزینه ۳؛ علم آنچه به تو سود می‌رساند و خرد آنچه تو را به آن (علم) می‌رساند. ما ← خبر

در گزینه ۴؛ شبانه به آسمان نگاه کن تا آنچه را من دیدمش ببینی. ما ← مفعول

نکات قابل دقت در این تست:

کاد (نزدیک بود - داشت) + مضارع = معادل مضارع التزامی

و (درحالی‌که) + ضمیر + فعل = جمله حالیه / إِذْ: ناگهان - أَحَدُ الطَّلَابِ: یکی از دانش‌آموزان

در گزینه‌های ۱، ۲ و ۳ ← ترجمه "واو" حالیه رعایت نگردیده است.

أحد الطَّلَابِ: در گزینه‌های ۲ و ۳ "درست ترجمه نشده است.

و در گزینه ۱ ← ترجمه صحیح ← إِذْ / کاد / واو حالیه ← رعایت نگردیده است.

ترجمه این گزینه ناقص است.

گزینه‌ای که جواب شرط با بقیه تفاوت دارد را انتخاب کن.

إِنْ در همه گزینه‌ها حرف شرط است.

در گزینه ۱: ترسبوا ← جواب شرط که فعل است.

گزینه ۲: تَغَيَّرَ ← جواب شرط که فعل است.

گزینه ۳: أَتَكَلَّمَ ← جواب شرط که فعل است.

ولی در گزینه ۴: فَهُوَ قَلِيلُ الْأَدَبِ ← جواب شرط است که به صورت جمله اسمیه آمده است.

الَّذِي: وسط جمله - که / ضرراً مفعول مطلق نوعی / لا تَنْتَبِهْ - جمله وصفی و در انتهای عبارت نیز اسلوب حصر وجود دارد.
در گزینه ۱: کاملاً به تو ضرر می‌زند - غلط است و چون اسلوب حصر است بهتر است با "فقط" به صورت مثبت ترجمه شود.
گزینه ۲: تو را از آموختنی بازمی‌دارد که غلط است. "قطعاً" ضرر می‌زند به صورت مفعول مطلق تأکیدی ترجمه شده است که غلط است.
گزینه ۳: ضرر را به صورت معرفه ترجمه کرده است. / "الَّذِي" هم در این گزینه ترجمه نشده است.

در گزینه ۱: نَمَّ - "سپس" ترجمه نشده است. / يَجِبُ عَلَيْنَا - ترجمه نشده است. / إذا: اگر - هرگاه - وقتی / "از او": مِنْهُ - نیز ترجمه نشده است.
در گزینه ۳: إِنْنَا - "نا" ترجمه نشده است. / عمل کسی را عیب بدانیم - غلط است. / حتماً باید به خاطر آن - غلط است. / "می‌باشد" انتهای عبارت نیز غلط است. / "بدانیم" نیز غلط است.
در گزینه ۴: "و این دلیلی بر شجاعتمان خواهد بود" غلط است.

در گزینه ۳ فعل "تَحَبَّ" للغائبة و "أَنْ تَنْجَحِي" للمخاطبة از نظر صیغه مطابقت ندارند. باید فعل "أَنْ تَنْجَحِي" نیز للغائبة می‌آمد تا جمله صحیح شود.
"هرکس دوست دارد که موفق شود باید بر خدا توکل کند."

در گزینه ۲ فعل "يَسْتَمِعُ" مضارع باب افتعال بوده و میم در آن کسره دارد نه فتحه: "يَسْتَمِعُ"

"شائباً" حال است ولی در گزینه ۱ و ۴ صفت ترجمه شده است.
"العلوم النافعة" در گزینه ۲ نکره ترجمه شده است.
"يُمَلَأُ" مجهول است اما در ۲ و ۴ معلوم ترجمه شده است.

این عبارت اسلوب شرط نیست؛ زیرا اگر "مَنْ" در آغاز این عبارت، شرطی بود، باید بر سر جمله اسمیه "هُوَ النَّبِيُّ الْأَكْرَمُ" حرف "فَ" می‌آمد! ضمناً معنای عبارت هم گواه بر این است که اسلوب عبارت، شرطی نیست!
ترجمه عبارت، کسی که فرستاده شده تا مکارم اخلاقی را کامل کند، همان پیامبر اکرم است!
بررسی سایر گزینه‌ها:
گزینه ۱: هرکس در موضوعی که به او ارتباط ندارد، دخالت نکند، عملی عقلانی انجام می‌دهد!
"لَا يَتَدَخَّلُ: فعل شرط" / "يَعْمَلُ: جواب شرط"
گزینه ۲: هرکس از دوستان را دیدی (بینی) که تو را به خیر (خوبی) دعوت می‌کند، او را حتماً گرامی بدار!
"رَأَيْتَ: فعل شرط" / "بِجَلِّ: جواب شرط"
گزینه ۳: هرکس هرآنچه را که دانسته (بداند)، نگوید، [او] خودش را از اشتباه دور می‌کند!
"لَمْ يَقُلْ: فعل شرط" / "هُوَ يُبْعَدُ...: جواب شرط - از نوع جمله اسمیه"

"مُشَاغِبٌ" به معنای "إِخْلَافٌ" با توضیح مقابل خود هماهنگی و تناسب دارد! "کسی که قانون را رعایت نمی‌کند: إِخْلَافٌ"
بررسی سایر گزینه‌ها:

گزینه ۱: گناهان بزرگ: گناه [به‌جای "إِثْمٌ" که یک اسم مفرد است، باید از کلمه "گَبَائِرٌ" استفاده می‌شد!]

گزینه ۲: کسی که توبه را می‌پذیرد: توبه‌کننده (غ)

گزینه ۴: کسی که با صدایی ضعیف صحبت می‌کند: پچ‌پچ کرد [دَقَّتْ کُنید که "هَمَسٌ" یک فعل است، ولی توضیح مقابلش، ویژگی یک شخص را بیان می‌کند!]

بررسی اشتباهات عبارت: قطعاً ← اضافی است [زیرا در عبارت عربی، واژه‌ای که تأکیدکننده باشد، وجود ندارد!] / علم از بین نمی‌رود ← زیرا هیچ زوالی ندارد! ["لَاَنَّ" یعنی "زیرا" و "لا" در لَازِوَالٍ...، لای نفی جنس است! در صورتی‌که "از بین نمی‌رود ← لا یَزُولُ" مضارع منفی است!]

در کدام عبارت فعل شرط و جواب شرط وجود ندارد.

در گزینه ۱: "يُحْسِنُ" فعل شرط، "فَالله" جواب شرط است.

در گزینه ۳: "يَلْتَزِمُ" فعل شرط، "فهو مُؤْمِنٌ" جواب شرط است.

در گزینه ۴: "سار" فعل شرط، "لا یندم" جواب شرط است.

بررسی کلمه‌های کلیدی (کَالْأَنْبِيَاءِ، كُلِّ فِرْصَةٍ، لِيَشْجَعُوا):

(۱) "كَالْأَنْبِيَاءِ": به معنای "چون پیامبران" ← حرف جر "ك" به معنای "چون" در گزینه ۲ و ۳ ترجمه نشده است. ← رد گزینه‌های ۲ و ۳

(۲) "كُلِّ فِرْصَةٍ": به معنای "هر فرصتی" ← هرگاه اسم بعد از "كل" نکره باشد، "كل" به صورت "هر" معنا می‌شود. ← رد گزینه‌های ۳ و ۴

(۳) "لِيَشْجَعُوا": به معنای "تا تشویق کنند" ← فعل مضارع منصوب و معلوم که باید معادل مضارع التزامی ترجمه شود. ← رد گزینه‌های ۲ و ۴

عبارت گزینه ۲ "و" و عبارت عربی صورت سؤال (هرکس قبل از سخن گفتن بیندیشد، از اشتباه در امان می‌ماند!) متناسب هستند. (هر دو می‌گویند اول فکر کن سپس حرف بزن!)

ترجمه گزینه ۳: "هرگاه عقل کامل شود، سخن کم می‌شود!"

"شَرٌّ": اسم مفرد است به معنای "شر یا بدی" ← رد گزینه ۳

"فی العاقبة": جار و مجرور به معنای "در پایان یا در عاقبت" ← رد گزینه ۱

"سندوق": فعل مستقبل در صیغه متکلم مع‌الغیر است: "خواهیم چشید" ← رد گزینه‌های ۱، ۳ و ۴

"تُذْهَبُ": باتوجه به حرف شرط "إن"، فعل شرط باید به صورت مضارع التزامی ترجمه شود: "برطرف کنی یا برداری" ← رد گزینه‌های ۱ و ۴

"إن": حرف شرط به معنای "اگر" ← رد گزینه‌های ۱ و ۴

بررسی کلمه‌های کلیدی (مَنْ، يَعْمَلُ، يَرِدُّ، أُمُورُهُ):

- ۱) "مَنْ": به معنای "هرکس" ← از ادات شرط است. ← رد سایر گزینه‌ها
- ۲) "يَعْمَلُ": به معنای "کار کند" ← فعل شرط باید معادل مضارع التزامی ترجمه شود. ← رد گزینه‌های "۲ و ۳"
- ۳) "يَرِدُّ": به معنای "برمی‌گرداند" ← جواب شرط باید معادل مضارع اخباری ترجمه شود. ← رد سایر گزینه‌ها
- ۴) "أُمُورُهُ": به معنای "کارهای او، امور او" ← جمع است. ← رد گزینه‌های ۳ و ۴ ← ضمیر "ه" مفرد است. ← رد گزینه "۲"

بررسی کلمه‌های کلیدی (يَقُولُونَ، إِنَّ، عَرَفْنَا، فَقَدْ عَرَفْنَا):

- ۱) "يَقُولُونَ": "می‌گویند" ← فعل مضارع معلوم ← رد سایر گزینه‌ها
- ۲) "إِنَّ عَرَفْنَا": "اگر... بشناسیم" ← فعل شرط است و معادل مضارع التزامی ترجمه می‌شود. ← رد سایر گزینه‌ها
- ۳) "فَقَدْ عَرَفْنَا": "می‌شناسیم" ← فعل جواب شرط است و معادل مضارع ترجمه می‌شود. ← رد سایر گزینه‌ها

دلایل رد سایر گزینه‌ها:

- ۱) "أَسَاءَ": "بدی کرد" فعل ماضی است. ← رد گزینه‌های ۳ و ۴
- ۲) "حتى لا تَزُولَ": "تا از بین نرود" فعل مضارع منفی منصوب است که معادل مضارع التزامی است.
- ۳) منفی فارسی ترجمه می‌شود. ← رد گزینه‌های ۲ و ۳
- ۴) ترجمه اضافی "دیگر" ← رد گزینه‌های ۳ و ۴

بررسی سایر گزینه‌ها:

- الجمال معرفة است - إنسانٍ نكرة است.
- أَنْ تَزُرَعَ: فعل مضارع منصوب است که به صورت التزامی ترجمه می‌شود. أَنْ تَغْرَسَ: که بکاری پس در گزینه ۱: زیبا - انسان - کاشتن ← غلط است.
- در گزینه ۲: کاشت محبت و صفا - انسان ← غلط است.
- در گزینه ۳: به کاشت ... پیردازی - انسان ← غلط است.

پاها: انسان با آن راه (به وسیله آن) راه می‌رود.

تماشاچی: کسی که بازیکن را در مسابقه تشویق می‌کند.

گردشگر: کسی که مردم را برای دیدن آثار تاریخی شاد می‌کند. (اشتباه است)

چراغدان: شیشه‌ای است که در آن چراغی است که نور از درونش پخش می‌شود.

بررسی گزینه‌های دیگر:

- ۱) تجارب جمع است. ← تجربه‌ها
- ۲) اللّاعبون: نقش نائب الفاعل را دارد و فعل يُشَجِّعُ: مجهول ← به معنای تشویق می‌شوند.
- ۴) مَنْ ← شرط به معنی هرکس / أعمال: کارهای - و لای نفی جنس ← به معنی هیچ ... نیست!

أَلْخَائِقَةُ - علامت فتحه (غلط است) - أَلْخَائِقَةُ (صحیح است)

هذه الأشجار الطويلة العجیبة؛ این درختان بلند عجیب که در گزینه‌های ۱ و ۳ غلط ترجمه شده است.

قد + فعل ماضی = ماضی نقلی

قد + فعل مضارع - قد به معنی گاهی اوقات

در گزینه ۲ "عمرشان" غلط و "قد" تقلیل نیز درست ترجمه نشده است.

در آفریده‌های پروردگار بخشنده ما جلوه‌هایی از زیبایی و سودرسانی و حکمت است. گاهی اوقات در وسط صحرا مناطقی مشاهده می‌شود که در آن گیاهان و درختانی است که تغذیه آن‌ها با آب‌های چشمه‌های متعدد و چاه‌ها است. از جمله آن‌ها درختان پرتومی چون نخل است. انواع زیادی از شکوفه‌های زیبا در بعضی مناطق صحرایی بعد از باران‌های شدید ظاهر می‌شود. ولی زندگی آن‌ها فقط ۶ یا ۸ هفته دوام می‌یابد؛ و همچنین بعضی گیاهان دارای برگ‌های کم یافت می‌شوند تا بر اثر تبخیر فقط مقدار کمی آب از دست بدهند. برخی گیاهان صحرایی ریشه‌اش درون زمین، در عمق بیش از ۵۰ متر است؛ و به همین خاطر همه آن‌ها می‌توانند مدتی طولانی از زمان زندگی کنند؛ و در قسمتی از صحرا مخصوصاً اطراف آن، کشت محصولات کشاورزی به وسیله قنات‌ها یا لوله‌کشی‌ها امکان‌پذیر است.

"مثمرة" اسم فاعل از فعل "أَثْمَرَ" است (رد گزینه ۱)، همچنین موصوفش "الشجار" است نه "النخل" (رد گزینه ۲) و نکره است نه معرفه. (رد گزینه ۴)

بررسی گزینه‌ها:

۱. وَجَدْتُ: یافتم / مَصْدَرٌ - نکره است و ترجمه "منبعی" برای آن درست است.

گزینه ۲: "منبع" غلط است. - منبعی (به صورت نکره) درست است.

- "تَقْرَبُ" و "تَبْتَعُ" فعل هستند و بدون نزدیکی به ما و دوری از ما - غلط است.

گزینه ۴: معادل کلمه "این" در عبارت عربی وجود ندارد؛ و همچنین معادلی برای کلمه‌های "همه" و "بتواند" در عبارت عربی وجود ندارد.

"اسب‌هایی" نکره است در حالی که در گزینه ۲ و ۳ معرفه آمده است. همچنین "صاحبشان" که مفرد است در گزینه ۲ و ۳ به صورت جمع آمده است. در گزینه ۱ "افراس" دوم به صورت نکره است در صورتی که باید به صورت معرفه بیاید چون "اسب‌ها" برای بار دوم در عبارت به صورت معرفه آمده است.

[گزینه] درست را برای توضیحات زیر مشخص کن.

گزینه ۱: اگر آسمان نبارد، با "خشکی" روبه‌رو می‌شویم! ["الجاف: خشک" - "الجفاف: خشکی، خشکسالی"]

گزینه ۲: محل گذاشتن پاها همان "قدمگاه، جای پا" است! ["الوطة": جای پا، قدمگاه]

گزینه ۳: "هسته [های] سفت و سخت همان بخشی است که از میوه می‌خوریم (می‌خوریمش)! ["النوى": هسته(های) سفت و سخت]

گزینه ۴: [نیروهای] پلیس (اداره پلیس) در خیابان برای حراست و مواظبت از عبور و مرور می‌ایستند!

توضیح: اولاً: "الشُرطة" جمع "الشُرطی": پلیس" است، بنابراین فعل "يَقْفُ" باید "يَقْفُونَ" باشد! ثانیاً: نیروهای پلیس وظیفه‌شان صرفاً حراست و مواظبت از "عبور و مرور" نیست و وظایف دیگری هم دارند، ولی وظیفه حراست و مواظبت از عبور و مرور به عهده "شرطة المُرور: پلیس راهنمایی و رانندگی" است!

"تقیّاً": اسم نکره در فارسی با "یک یا ی" ترجمه می‌شود. ← رد گزینه‌های ۱ و ۳
 "رأیت": فعل ماضی به معنای "دیدهای" ← رد گزینه ۴
 "أصبر": اسم تفضیل در فارسی به صورت صفت تفضیلی (تر) یا صفت عالی (ترین) ترجمه می‌شود. ← رد گزینه‌های ۳ و ۴
 "أصلب": اسم تفضیل در فارسی به صورت صفت تفضیلی (تر) یا صفت عالی (ترین) ترجمه می‌شود. ← رد گزینه‌های ۳ و ۴
 "أصلب الاحجار": ترکیب اضافی به معنای "سخت‌ترین سنگ‌ها" ← رد گزینه‌های ۱، ۳ و ۴

خطاهای موجود در گزینه ۱:
 "الغابة": معرفه است پس باید "جنگل" ترجمه شود.
 "اشجارها الباسقة": ضمیر "ها" که مضاف‌الیه "اشجار" می‌باشد، ترجمه نشده است.
 "خطر": در فارسی ترجمه نشده است.

بررسی کلمه‌های کلیدی (يَضْرِبُ، الأمثال و يتذكرون):
 (۱) يَضْرِبُ: می‌زند ← فعل مضارع اخباری ← رد گزینه‌های ۳ و ۴
 (۲) الأمثال: مثل‌ها ← جمع و معرفه است. ← رد سایر گزینه‌ها
 (۳) يتذكرون: یادآور شوند. ← در سایر گزینه‌ها از لحاظ معنایی به درستی ترجمه نشده است.

بررسی کلمه‌های کلیدی (حاولتُ، أن أعطى، هديّةً):
 (۱) "حاولتُ": "تلاش کردم" ← فعل ماضی ساده است و باید به صورت فعل ترجمه شود. ← رد گزینه‌های ۱ و ۴
 (۲) "أن أعطى": "بدهم" ← فعل مضارع منصوب به "أن" که باید معادل مضارع التزامی ترجمه شود. ← رد سایر گزینه‌ها
 (۳) "هديةً": "هدیه‌ای" ← نکره است نه معرفه ← رد گزینه‌های ۳ و ۴

دلایل نادرستی سایر گزینه‌ها:
 گزینه ۲:
 الف) "كنت سألت": "پرسیده بودم" نادرست است
 ب) "طبيباً" اسم نکره ← "پزشکی"
 ج) کلمه "این" در این گزینه ترجمه نشده.
 گزینه ۳:
 الف) "كنت سألت": "پرسیده بودم" مانند گزینه ۲
 ب) "رأيت" تعریب فعل "دیدي" (در ابتدا و انتهای جمله) در صورتی که در متن سؤال "می‌بینی" و "می‌بینم" است.
 ج) "اوضاع" جمع "وضع"
 گزینه ۴:
 الف) "طبيب" اسم نکره ← "پزشکی"
 ب) "كنت تنظر": می‌دیدي: در حالی که در متن سؤال "می‌بینی" است.
 ج) کلمه "این" در این گزینه ترجمه نشده.

دلایل نادرستی سایر گزینه‌ها:

گزینه ۲: "ف

الف) "فی عصر حاضرنا" ← در عربی اگر اسمی (عصر) هم مضاف‌الیه (نا) بگیرد و هم صفت (حاضر)، ابتدا مضاف‌الیه می‌آید، سپس صفت "فی عصرنا الحاضر"

ب) "الابداعات" ← معرفه است در صورتی که در متن سؤال "ابتکارهایی" نکره است و تعریب درستش می‌شود "ابداعات" گزینه ۳:

الف) در عبارت "العصر الحاضر" که ترجمه "عصر کنونی ما" است، "ما" وجود ندارد.
ب) "تکونت" پدید آمد اشتباه است.

گزینه ۴:

الف) "أُسست" "تاسیس شده است" که نادرست است.

ب) "الابداعات" معرفه است در صورتی که در متن سؤال "ابتکارهایی" نکره است و تعریب درستش می‌شود "ابداعات"
ج) "للاجتماع" ← "برای اجتماع" تعریب درستی برای کلمه "اجتماعی" نیست.

بررسی کلمه‌های کلیدی (الفرص الذَّهَبِيَّة، تحصل، يَقْتَنِيصُونَهَا):

۱) "الفرص الذَّهَبِيَّة": "فرصت‌های طلایی" ← معرفه است نه نکره ← رد گزینه‌های ۱ و ۴

۲) "تحصل": "حاصل می‌گردد" ← فعل مضارع اخباری ← رد گزینه‌های ۱ و ۳

۳) "يَقْتَنِيصُونَهَا": "آن را شکار می‌کنند"

ترجمه نادرست سایر گزینه‌ها:

گزینه ۱: "موفق به شکار آن‌ها می‌شوند"

گزینه ۳: "شکارش می‌کنند"

گزینه ۴: "به شکار آن نایل می‌شوند"

بررسی کلمه‌های کلیدی (فی إنتهاء مقرر مدرستنا، نافذة، تُفْتَح):

۱) "فی إنتهاء مقرر مدرستنا": "در انتهای راهرو مدرسه ما" ← ترکیب، ترکیب اضافی است ← رد گزینه‌های ۱ و ۳

۲) "نافذة": "پنجره‌ای" ← نکره است نه معرفه ← رد گزینه ۴

۳) "تُفْتَح": "که باز می‌شود" ← فعل مضارع مجهول که بعد از اسم نکره آمده و درباره آن توضیح می‌دهد، پس جمله وصفیه است و قبلش در ترجمه باید "که" بیاید. ← رد گزینه ۱

۴) منظر جمیل ← منظره زیبایی ← رد گزینه‌های ۳ و ۴

"تا شناخته گردید" مجهول است - تَحْت: زیر که این در گزینه ۲ رعایت شده است.

فَكَلَّمَهُمْ عَلَى ذَلِكِ الْقَدْرِ: به معنی "با آن‌ها به همان اندازه سخن بگو" می‌باشد.

بررسی سایر گزینه‌ها:
اسم اشاره مثنی و جمع + اسم ال دار - اسم اشاره به صورت مفرد ترجمه می‌شود.
رد گزینه‌های ۳ و ۴
قد عَوَّدوا - به معنی عادت داده‌اند که گزینه ۲ نیز رد می‌گردد.

"الکتاب" به صورت معرفه اشتباه است که خود گزینه‌های ۱ و ۴ را خارج می‌کند. در گزینه ۱، هذا یوم ... به معنای امروز نیز غلط است! / در گزینه ۱ همچنین - آن را دیده بودم - قَدْ رَأَيْتُهُ مِنْ قَبْلُ، که عِلَّتْ رَدِ گزینۀ ۳ می‌گردد.

در گزینه ۱ - کلمه "مَدَّت" اضافه است و معادل عربی آن وجود ندارد.
در گزینه ۲ - لَا يَقِفُونَ: پیروی نمی‌کنند - دنبال نمی‌کنند. توقف نمی‌کنند - ترجمه‌ای درست برای آن نیست.
در گزینه ۳ - ضمایر متصل در "اطمئنناها و رَّبَّها" ترجمه نگردیده است.

يُعَوِّد: عادت دهد - يُعَوِّد لِسَانَهُ - زبانش را عادت دهد
أَقْبَلَ عَلَيَّ: روی آورد / يُقْبَلُونَ عَلَيَّ: روی می‌آورند که در گزینه‌های ۲ و ۴ غلط ترجمه شده است.
اللَّيْنُ: نرم / طوبی ب - خوشا به حال - در گزینه‌های ۲ و ۳ غلط ترجمه شده‌اند.
بَل: بلکه - در گزینه‌های ۲ و ۴ ترجمه نشده است.

جمله وصفیه جمله‌ای (غالباً فعلیه) است که اسم نکره‌ای را توضیح می‌دهد. در گزینه ۲ فعل "بناه" اسم نکره "بناء" را توصیف می‌کند و جمله وصفیه است.

"المكتبة" در گزینه ۳ و ۴ نکره ترجمه شده است.
"طلاباً" در گزینه ۲ و ۴ معرفه ترجمه شده است.
"يطالعون" جمله وصفیه است که فعل قبلش ماضی است پس باید ماضی استمراری ترجمه شود. (غلط گزینه ۲ و ۳)

بررسی اشتباهات سایر گزینه‌ها:
گزینه ۱: "حصلتُ علی: به دست آوردم" - یافتم ["حصلتُ علی" معادل دقیقی برای تعریب "یافتم" نیست!] / يُسَاعِدُنِي - یُسَاعِدُنِي [به جای حرف جرّ "ب" باید از حرف "نون" وقایه در تعریب استفاده می‌شد!] / در - در تعریب لحاظ نشده است!
گزینه ۲: "رأيتُ: دیدم" - وَجَدْتُ ["رأيتُ" تعریب درستی برای "یافتم" محسوب نمی‌شود!] / "البرنامج: برنامه" [یا باید به صورت نکره "برنامج" به کار می‌رفت و یا پس از آن باید از اسم موصول "الذي" استفاده می‌شد!] و هو... [در عبارت فارسی ساختار جمله وصفیه وجود دارد نه جمله حالیه!] / "تعليم": برای یاد دادن، برای آموزش" - "في تَعَلَّمَ: در آموختن" ["تعليم" یعنی یاد دادن، ولی "تَعَلَّمَ" یعنی آموختن، یاد گرفتن!] / "اللغة" - اضافی است.
گزینه ۴: "أخذتُ: گرفتم" [معادل دقیقی برای تعریب "یافتم" نیست!] / "مرا" - در تعریب لحاظ نشده است! / "تعليم" - تَعَلَّمَ / "اللغة" - مانند گزینه ۲

رب: پروردگار معنا می‌شود (رد گزینه ۲، ۳ و ۴) "سخنان خوب" در گزینه ۲ معادل درستی برای "هی أحسن" نیست. / در گزینه ۳ و ۴، "ادع" به درستی ترجمه نشده است.

کلمات کلیدی: هُنَاكَ: وجود دارند، هستند / تَجْرِي: جاری می‌شوند / أَقْلَام: قلم‌ها / لِأَوَّلِ مَرَّةٍ: برای اولین بار، برای بارِ اَوَّل / تَدُلُّ: دلالت می‌کنند، دلالت دارد / مفاهیم جدیدة: مفاهیم جدیدی، مفاهیمی جدید / لَمْ يَكُنْ يَعْرِفُ ... الْآخَرُونَ: دیگران نمی‌شناختند [لَمْ يَكُنْ + "فعل مضارع" ← ماضی استمراری منفی در فارسی]

بررسی اشتباهات سایر گزینه‌ها:

گزینه ۱: درحالی‌که ← که [تَدُلُّ] جمله حالیه نیست، بلکه جمله وصفیه است! / مفهوم ← مفاهیم / نمی‌شناسند ← نمی‌شناختند
گزینه ۲: بعضی از شعرا ← در جای خود ترجمه نشده / قلم‌های خود ← قلم‌های بعضی شعرا / جاری می‌کنند ← جاری می‌شوند [تَجْرِي] یک فعل ناگذر است نه گذرا! / آن ← آن‌ها

گزینه ۳: آنجا ← وجود دارند، هستند [هُنَاكَ] در آغاز جملات، معمولاً به معنای "وجود دارد، وجود دارند"، هستند" به کار می‌رود! / بعضی شاعران ← در جای خود ترجمه نشده / "ل: برای" ← در ترجمه لحاظ نشده است! / قلم‌هایشان ← قلم‌های برخی شعرا / جاری می‌کنند ← جاری می‌شوند / و ← که / مفهوم ← مفاهیمی / نمی‌شناخته‌اند ← نمی‌شناختند

سؤال، جمله وصفیه می‌خواهد و جمله وصفیه بعد از اسم نکره می‌آید و در مورد آن توضیح می‌دهد که در گزینه ۳، "يَنْفَعُ النَّاسَ ..." جمله وصفیه است.

بررسی دیگر گزینه‌ها:

(۱) "العلمی" و "طوبیلة" ← هر دو صفت مفرد هستند، اولی برای "النشاط" و دومی برای "قرونًا"
(۲) "القاریء" و "الجمیل" ← هر دو صفت مفرد هستند که اولی برای "هذا" چون اسم مشتقی که معرفه به "ال" باشد و بعد از اسم اشاره بیاید صفت است و دومی صفت برای "صوت" است.
(۴) "مناسباً" ← صفت مفرد برای "مکاناً"

كسْب رِضَاك: به معنی کسب رضایت تو می‌باشد و ترجمه "راضی هستی" برای آن غلط است.

قَرَزْتُ: قرار گذاشتم ← متکلم‌وحده است.

أخي الصَّغِير: برادر کوچکم

با "قَرَزْتُ" و "أخي الصَّغِير": گزینه‌های ۲ و ۳ رد می‌گردند.

در گزینه ۴ ← من - در موزه‌ها غلط است؛ زیرا ضمیر "أنا" در عبارت نیامده است و مُتَّحَف: مفرد است به معنی موزه و حرف "في" نیز نیامده است پس "در" نیز اشتباه است.

لَنْ از حروف ناصبه و معادل مستقبل منفی است.

لَنْ تَتَخَلَّصَ: رهایی نخواهیم یافت و چون اسلوب حصر است می‌توان با کلمه "فقط" به صورت مثبت ترجمه کرد ولی مستقبل منفی را باید در ترجمه رعایت نماییم.

بررسی سایر گزینه‌ها:
در گزینه‌های ۲ و ۴ "ما أَجْمَلُ" را به صورت اسم تفضیل ترجمه کرده است که معنی آن؛ "چه زیبا است" و اسم تفضیل نیست.
- در گزینه ۲: "أَنْ تَرَى" که ببینی "مضارع التزامی" را ترجمه نکرده است.
- در گزینه‌های ۳ و ۴ "يَتَّبِعُ" تا آغاز کنی "مضارع التزامی" را به صورت دوم شخص و مخاطب ترجمه کرده است.
نهاییه - در گزینه ۳ به صورت "پایان یافته" به صورت قید حال ترجمه شده است که غلط است.
"فَرَحَةٌ" صفت برای "حياة" می‌باشد که در گزینه‌های ۲ و ۴ به صورت "حال" ترجمه شده است.

أَنْ يَزِدَّ - که زیاد شود؛ در گزینه‌های ۱ و ۲ اشتباه ترجمه شده است.
أَمْرٌ: چیزی - امری؛ مفرد است در گزینه ۲ "امور" به صورت جمع ترجمه شده است.
بِقَدْرٍ - به اندازه - در گزینه ۴ اشتباه ترجمه شده است.
لَنْ + مضارع = معادل مستقبل منفی - رها نخواهد کرد. در گزینه‌های ۲ و ۴ درست ترجمه نشده است.
مُحِبِّينَ: دوستداران - علاقه‌مندان - اسم فاعل و جمع است که به خاطر اضافه شدن، "ن" آن حذف شده است و در گزینه ۴ غلط ترجمه شده است.

بررسی سایر گزینه‌ها:
أَنْ + مضارع = مضارع التزامی - که استفاده کنیم، که بهره ببریم
گزینه ۳: بهره‌مند شویم - غلط است. وَاجَهُو: روبه‌رو شدند؛ فعل ماضی ساده است.
گزینه ۲: روبه‌رو شده‌اند به صورت ماضی نقلی ترجمه شده است که غلط است.
گزینه ۴: برخورد کرده‌اند - غلط است.
نَهَضُوا: ماضی ساده؛ برخاستند - گزینه ۳ به صورت مضارع، برمی‌خیزند ترجمه کرده که غلط است.
استمروا - ادامه دادند - پس ادامه بدهند / گزینه ۳ - باقی‌مانده‌اند و باقی می‌مانند گزینه ۴ - غلط هستند.

بررسی سایر گزینه‌ها:
الْفَيْسَلُ تحمله ضَعْبٌ - شکست تحملش است، در گزینه‌های ۲ و ۳ غلط ترجمه شده است.
سَتَسْتَفِيدُ: معادل فعل مستقبل به معنی "استفاده خواهی کرد" که در گزینه‌های ۱ و ۲ اشتباه ترجمه شده است.
فُرْصًا - جمع و نکره - فرصت‌هایی که در گزینه‌های ۱، ۲ و ۳ اشتباه ترجمه شده است.

گزینه ۱: لَنْ تَكُونَ - نخواهی یافت - غلط است؛ نخواهد بود (درست)
گزینه ۲: الكبرى - چون مؤنث است؛ صفت آیات است. ترجمه درست آن "نشانه‌های بزرگ‌تر پروردگاران را..."
گزینه ۴: چون اسلوب حصر است باید در ترجمه از "فقط" یا "تنها" استفاده می‌کرد.

مَنْ شَرَطَ است - هرکس / فَلَیَجْعَلَ - پس باید قرار دهد / مُسْتَشَارَهُ الْحَكِيمِ (مشاور خردمندش)
بررسی سایر گزینه‌ها:
در گزینه ۱: مَنْ شَرَطَ درست ترجمه نشده است. / أَرَادَ - التزامی، "خواسته است" ترجمه درستی برای آن نیست. / فَلَیَجْعَلَ را هم درست ترجمه نکرده است.
گزینه ۲: می‌خواهد - مُسْتَشَارَهُ الْحَكِيمِ نیز غلط ترجمه شده است؛ و ضمیر "ه" ترجمه نشده است.
گزینه ۳: آن‌که - غلط است. / بیروزشدن - غلط است. / خواسته است - غلط است. / فَلَیَجْعَلَ - هم درست ترجمه نشده است.

"بیلغ" به معنای می‌رسند در گزینه ۳ و ۴ به درستی ترجمه نشده است.
 "لا یبلغه" به معنای "به آن نمی‌رسند" فقط در گزینه ۲ به درستی ترجمه شده است.

باتوجه به ترجمه عبارت گزینه ۱، "لا تیاسون" فعل نهی است و باید مجزوم بشود ("ن" انتهای آن حذف گردد).
 ترجمه عبارت گزینه ۱: همشاگردی‌هایم را ناامید یافتم (دیدم) پس به آن‌ها گفتم از رحمت خداوند ناامید نشوید.
 ولی سایر گزینه‌ها:
 ۲: "لیعلموا" و "ان ینجحوا" حرف "ل" و "ان" باعث حذف "ن" مضارع شده‌اند.
 گزینه ۳: "لیذهبوا" و "لم یتخرجوا" حرف "ل" و "لم"، "ن" مضارع را حذف کرده‌اند.
 گزینه ۴: دو فعل "یذهبون" و "تخرجون" جمع مؤنث هستند و "ن" آخر آن‌ها حذف نمی‌شوند و هیچ تغییری نمی‌کنند.

شاهدوا ← شاهدوا [باتوجه به معنای عبارت، این فعل، فعل ماضی از صیغه "للاغائبین" است نه فعل امر از صیغه "للمخاطبین"!]
 [این واژه باتوجه به معنایش باید اسم مفعول (شکسته شده) باشد نه اسم فاعل (شکننده)!]

کلمات کلیدی: لا تَسْتَشِرْ (فعل نهی "للمخاطب"): مشورت نکن / الِکَذَّابِ: شخص کذاب، شخص بسیار دروغ‌گو / فائنه: زیرا او، چه او/ یَقْرَبُ: نزدیک می‌نمایاند / یَبْعُدُ: دور [می‌نمایاند]، دور می‌سازد
 بررسی اشتباهات سایر گزینه‌ها:
 گزینه ۲: دروغ‌زن ← کذاب، بسیار دروغ‌گو ["الکذاب" اسم مبالغه است.] / مورد مشورت خویش قرار نده [معادل دقیقی برای فعل نهی "لا تَسْتَشِرْ": مشورت نکن "نیست!"] / همچون سراب ← همچون سراب است [در حقیقت "کالسراب" نقش خبر "إن" را بر عهده دارد که در ترجمه آن باید از لفظ "است" استفاده کنیم].
 گزینه ۳: دروغ‌گو ← کذاب، بسیار دروغ‌گو / مانند سراب ← مانند گزینه ۲
 گزینه ۴: مشاور خود قرار مده ← [معادل دقیقی برای فعل نهی "لا تَسْتَشِرْ": مشورت نکن "نیست!"]

بررسی کلمه‌های کلیدی (إِجْعَلْ، آذَانَ قَلْبِكَ، يُتَدَرِّكُ):
 (۱) "إِجْعَلْ": "قرار بده" ← فعل امر ← رد سایر گزینه‌ها
 (۲) "آذَانَ قَلْبِكَ": "گوش‌های قلب خود را" ← ترکیب اضافی ← رد سایر گزینه‌ها
 (۳) "يُتَدَرِّكُ": "تا ... درک کنی" ← فعل مضارع منصوب به "لام" که مضارع التزامی ترجمه می‌شود. ← رد سایر گزینه‌ها

بررسی کلمه‌های کلیدی (علینا أن نحترم، حتی يستمر، هذا العمل):
 (۱) "علینا أن نحترم": به معنای "بر ما است که احترام کنیم، باید ما احترام کنیم" ← "باید (علی) + ضمیر که احترام کنیم (مضارع منصوب)" ← که باید فعل مضارع منصوب معادل مضارع التزامی ترجمه شود. ← رد گزینه‌های ۱ و ۳
 (۲) "حتى يستمر": به معنای "تا استمرار یابد / تا ادامه یابد" ← فعل مضارع منصوب ← رد گزینه‌های ۱ و ۴
 (۳) "هذا العمل": به معنای "این عمل" ← "هذا" باید ترجمه شود. ← رد گزینه "۴"

بررسی کلمه‌های کلیدی (مَنْ، لَمْ یکن له، لَنْ یكون له):
 (۱) "مَنْ": به معنای "هرکس" - اسم شرط - رد گزینه‌های ۲ و ۳
 (۲) "لَمْ یکن له": به معنای "نداشته باشد" - فعل شرط و معادل مضارع التزامی باید ترجمه شود و زمانی که "لم" بر سر فعل مضارع بیاید باید معادل ماضی منفی ترجمه شود ولی اینجا چون فعل شرط است باید مضارع التزامی ترجمه شود. - رد دیگر گزینه‌ها
 (۳) "لَنْ یكون له": به معنای "نخواهد داشت" - وقتی "لَنْ" بر سر فعل بیاید معادل فعل مستقبل منفی ترجمه می‌شود. "داشت" هم معادل "له" در عبارت است.

بررسی کلمه‌های کلیدی "حَتَّى یَحْكُمَ ، هُوَ حَیْرُ الْحَاكِمِینَ":
 (۱) "حَتَّى": "تا" - ادات نصب - رد گزینه‌های ۲ و ۴
 (۲) "یَحْكُمَ": "داوری کند" - فعل مضارع منصوب به "حَتَّى" که معادل مضارع التزامی ترجمه می‌شود. - رد گزینه‌های ۳ و ۴
 (۳) "هُوَ حَیْرُ الْحَاكِمِینَ": "او بهترین داوران است" - رد سایر گزینه‌ها

بررسی کلمه‌های کلیدی (لَنْ یُنحِنِ، أَجْبَالَنَا الصَّامِدُونَ):
 (۱) "لَنْ یُنحِنِ": "تسلیم نخواهد شد (خم نخواهد شد)" - فعل مضارع منصوب به "لَنْ" که وقتی "لَنْ" بر سر فعل مضارع بیاید، فعل معادل آینده منفی ترجمه می‌شود. - رد سایر گزینه‌ها
 (۲) "أَجْبَالَنَا الصَّامِدُونَ": "نسل‌های مقاوم ما" - ترکیب وصفی اضافی که در زبان فارسی، اول صفت یعنی "الصامدون" باید ترجمه شود و بعد مضاف‌الیه یعنی "نا" - رد گزینه‌های ۲ و ۳
 (۳) "أَجْبَال": جمع است برای "جَبَل" پس باید جمع ترجمه شود نه مفرد - رد گزینه "۴"

بررسی سایر گزینه‌ها:
 "سیطره الظالمین" ترکیب اضافی است و باید به صورت مضاف و مضاف‌الیه در فارسی ترجمه شود. "مسلط شدن ظالمان" - رد گزینه‌های ۲ و ۴
 "لَنْ نیاس" معادل آینده منفی ترجمه می‌شود. "نخواهیم شد" - رد گزینه‌های ۲ و ۴
 "زهوقاً" اسم است به معنای "از بین رفتنی" و نباید به صورت فعل ترجمه شود. - رد گزینه ۳
 "سیکون" معادل آینده ترجمه می‌شود. "خواهد بود" - رد گزینه‌های ۲ و ۳ و ۴

بررسی کلمه‌های کلیدی (قَدْ أَنْشَدَ، كَثِيراً مِنَ النِّعَمِ، حَتَّى یَسْتَطِيعَ، أَنْ یَتَنَفَّعَ):
 (۱) "قَدْ أَنْشَدَ": به معنای "عطا کرده است" - فعل ماضی نقلی معلوم - رد گزینه‌های ۳ و ۴
 (۲) "كَثِيراً مِنَ النِّعَمِ": به معنای "بسیاری از نعمت‌ها" - رد سایر گزینه‌ها
 (۳) "حَتَّى یَسْتَطِيعَ": به معنای "تا بتواند" - فعل مضارع منصوب به "حَتَّى" که باید مضارع التزامی ترجمه شود. - رد سایر گزینه‌های ۱ و ۳
 (۴) "أَنْ یَتَنَفَّعَ": به معنای "تا بهره ببرد" - فعل مضارع منصوب به "أَنْ" در صیغة "لِلْغَائِبِ" - رد گزینه‌های ۳ و ۴

بررسی کلمه‌های کلیدی (قَدْ أَنْشَدَ، هَذَا الشَّاعِرُ، لِيَقْرَأَهَا):
 (۱) "قَدْ أَنْشَدَ": "سروده است" - فعل ماضی نقلی در صیغة "لِلْغَائِبِ" (قد + فعل ماضی = ماضی نقلی) - رد گزینه‌های ۱ و ۳
 (۲) "هَذَا الشَّاعِرُ": "این شاعر" - مفرد است نه جمع - رد گزینه "۱"
 (۳) "لِيَقْرَأَهَا": "تا آن را بخواند" - فعل مضارع معلوم که "ها" مفعول به آن است. - رد گزینه‌های ۱ و ۴

بررسی کلمه‌های کلیدی (لن یستطیع، أن یفَرَّ، إن تدرکها تَفَرَّ):

- ۱) "لن یستطیع": نخواهد توانست" ← فعل مضارع منصوب که چون با "لن" منصوب شده معادل مستقبل منفی باید ترجمه شود. ← رد سایر گزینه‌ها
 ۲) "أن یفَرَّ": "رهایی یابد" ← فعل مضارع منصوب که باید معادل التزامی ترجمه شود. ← رد گزینه "۱"
 ۳) "إن تدرکها تَفَرَّ": "اگر آن را درک کنی رستگار می‌شوی" ← اسلوب شرطی دارای فعل شرط و جواب شرط که فعل شرط معادل التزامی ترجمه می‌شود و جواب شرط معادل مضارع اخباری. ← رد سایر گزینه‌ها

بررسی کلمه‌های کلیدی (مسیرهم، أهدافهم السامیة، لیجعلوهم):

- ۱) "مسیرهم": به معنای "مسیر خود"، "حرکت" در عبارت معادل عربی ندارد. ← رد گزینه ۴
 ۲) "أهدافهم السامیة": به معنای "اهداف عالی (والا) خویش" ← ترکیب وصفی و اضافی ← رد گزینه ۳
 ۳) "لیجعلوهم": به معنای "تا آن‌ها را قرار دهند" ← فعل مضارع منصوب به "لام" که باید معادل التزامی ترجمه شود. ← رد گزینه‌های ۱ و ۳

بررسی کلمه‌های کلیدی (سَنَدُّهُبْ، قَائِدَنَا، لن نترکه):

- ۱) "سَنَدُّهُبْ": "خواهیم رفت" ← فعل مستقبل ← رد گزینه‌های ۱ و ۴
 ۲) "قَائِدَنَا": "فرمانده خود" ← ترکیب اضافی ← "نا" باید ترجمه شود ← رد گزینه ۲
 ۳) "لن نترکه": "او را ترک نخواهیم کرد" ← فعل مضارع منصوب به "لن" که معادل مستقبل منفی ترجمه می‌شود ← رد گزینه‌های ۱ و ۲

عَامِل: فعل امر صیغۀ "للمخاطب" است به معنی "رفتار کن" که در گزینه‌های ۲ و ۳ غلط ترجمه شده است.
 أَنْ يُعَامِلُوكَ: که رفتار کنند با تو فعل معلوم است و گزینه‌های ۲ و ۴ رد می‌شوند و در گزینه ۳ و ۴ ← "با تو" ترجمه نگردیده است.
 لَا تَكُنْ ذَا وَجْهَيْنِ: دورو نباش و در عبارت عربی "ذا وجهین" "محل الإعرابی" خبر می‌باشد که در گزینه‌های ۳ و ۴ به درستی ترجمه نگردیده است.

"الماضی" به معنی گذشته و مفرد است و ما وَقَعَ نیز فعل ماضی است "حَتَّى لَا يَضِيعَ" تا تباه نشود معادل "مضارع التزامی منفی" است. در گزینه ۲ گذشته‌ها و چیزهایی - زُج داده بود ← غلط هستند.
 در گزینه ۳ برای اینکه ← غلط است - تباه نسازی نیز غلط است / فعل حَتَّى لَا يَضِيعَ ← سوم شخص است یعنی برای غایب
 در گزینه ۴ برای تباه نساختن ← فعل به صورت مصدر ترجمه شده است ضمن اینکه در همین گزینه "در آن واقع می‌شود" نیز غلط است فعل "وَقَعَ" ماضی است.

گزینه‌ای که در آن معادل "مضارع التزامی" فارسی نیست!

- ۱) أَلَّا يَقْتَرِبُوا ← أَنْ لَا يَقْتَرِبُوا ← مضارع التزامی منفی
 ۲) أَنْ تَكُونُوا، حَتَّى لَا تَيَأَسُوا ← مضارع التزامی
 ۴) لِيَتَعَلَّمُوا ← فعل مضارع التزامی

گزینه ۱

منظور از "طلب" - درخواست
 "فعل امر" می‌باشد - امر غایب که "ل" جازمه بر سر ۶ صیغه غایب مضارع می‌آید.
 امر متکلم که "ل" جازمه بر سر ۲ صیغه متکلم می‌آید و نام دیگر آن‌ها "امر باللام" است.
 و یا "امر مخاطب" که در گزینه ۱ - لیذهبوا: باید بروند امر غایب بود و برای طلب و درخواست است.
 در گزینه ۲ "لیذهبوا" - تا اینکه بروند - ناصبه است و در گزینه ۴ "اجتمعوا" فعل ماضی است.

گزینه ۲

بررسی سایر گزینه‌ها:
 کلمه "هیچ" در گزینه ۱ اضافه ترجمه شده است. - رد گزینه ۱
 "قوم" دوم در گزینه ۱ اضافه ترجمه شده است. - رد گزینه ۱
 "حتی یغیروا" فعل معلوم است به معنای "تغییر دهند". - رد گزینه ۱
 کلمه "ابتدا" در گزینه ۳ اضافه ترجمه شده است. - رد گزینه ۳
 "لایغیرو" فعل مضارع است درحالی‌که در گزینه ۳ مستقبل ترجمه شده است. - رد گزینه ۳
 "درون خود" اول در گزینه ۳ اضافه ترجمه شده است. - رد گزینه ۳
 کلمه "نخست" در گزینه ۴ اضافه ترجمه شده است. - رد گزینه ۴
 "لایغیرو" فعل مضارع است درحالی‌که در گزینه ۴ به صورت اسم فاعل ترجمه شده است. - رد گزینه ۴
 "در نفس خود" در گزینه ۴ اضافه ترجمه شده است. - رد گزینه ۴

گزینه ۴

دلایل رد سایر گزینه‌ها:
 (۱) لَمْ تَرَوْا: "ندیدید یا ندیده‌اید" معادل ماضی منفی ترجمه می‌شود. - رد سایر گزینه‌ها
 (۲) كَيْفَ: "چگونه" - رد گزینه‌های ۱ و ۲
 (۳) سَمَاوَاتٍ: "نکره است." - رد گزینه ۱
 (۴) اگرچه کلمه "سماوات" جمع است و در حالت عادی معنای "آسمان‌ها" می‌دهد اما با توجه به این نکته که (معدود در زبان فارسی مفرد ترجمه می‌شود)، ترجمه صحیح آن "آسمانی" می‌شود. - رد گزینه ۳

گزینه ۲

کان + فعل مضارع = معادل ماضی استمراری
 در گزینه ۱: "أوقات" که مفعول است به درستی ترجمه نشده است و ضمیر متصل "ه" نیز ترجمه نشده است. فعل کان ... یُمضي: نیز معادل ماضی استمراری "می‌گذارند" صحیح است. لحظه نیز نکره است: "لحظه‌ای" صحیح است.
 در گزینه ۳: "أوقات" جمع است: زمان‌ها - و ترجمه "وقت" و "می‌گذشت" نیز غلط است - یُمضي: یک فعل متعدی است: می‌گذراند.
 و لایبتعد جمله حالیه نیست - "درحالی‌که" در این عبارت غلط است.
 در گزینه ۴: درحالی‌که - سختش - حتی یک لحظه از کار دور نمی‌شود - غلط هستند.

گزینه ۳

کلمه‌های قابل دقت: هناك (وجود دارد / هست) در گزینه ۲ ترجمه نشده است. / كَلَّ لَغَةً - کل + اسم مفرد و نکره - هر زبانی
 أصبحت: فعل ماضی از افعال ناقصه است. - به معنی شد، شده
 کلمات: یک اسم جمع و نکره است. - کلماتی - واژه‌هایی
 أصبحت در گزینه‌های ۱، ۲ و ۴ غلط ترجمه شده است.

بررسی سایر گزینه‌ها:

لَيْسَ مِنَ الصُّورِيِّ ← نیازی نیست، ضروری نیست، ضرورتی ندارد. پس گزینه ۲؛ نیازی به این نیست ← غلط است.
 یكون لَدَيْكَ: داشته باشی
 أصدقاء كثيرون: موصوف و صفت و نکره - دوستانی زیاد (دوستان زیادی)
 گزینه ۳: دوستانت زیاد ← غلط است.
 لُصْبِحَ ← لـ ناصبه است ← تا بشوی / تا شوی ← در گزینه‌های ۱ و ۲ غلط ترجمه شده است.
 عُنْدَ ← نزد ← در گزینه ۴ بین مردم غلط است.

غلط سایر گزینه‌ها:

"يَعِدُّ" در گزینه یک مستقبل ترجمه شده است.
 در گزینه دو "جهان" اضافه ترجمه شده است.
 در گزینه ۳ ضمیر "هم" در حیاتهم ترجمه نشده است.

کلید حل این سؤال فعل "تَسْمَى" است که مضارع مجهول است در گزینه ۱ و ۳ معلوم ترجمه شده است و در گزینه ۴ ماضی ترجمه شده و غلط است.

در این گزینه، دو واژه "دار: خانه" و "بَيْت: خانه" باهم مترادف‌اند.
 ترجمه عبارت: خانه ما در این خیابان است، ولی خانه هم‌کلاسی‌ام در خیابان دیگری است!

کلمات کلیدی: "لَقَا": وقتی، هنگامی‌که، زمانی که / "نَقَلْتُ": نقل کردم / "الْخَبْرَ الَّذِي": خبری را که ["الَّذِي" و سایر اسم‌های موصول خاص وقتی‌که پس از یک اسم معرفه بیابند، معنای "که" می‌دهند!] / "كُنْتُ أَسْمَعُ": می‌شنیدم، می‌شنیدمش، می‌شنیدم ("كَانَ" + "مضارع" ← ماضی استمراری در فارسی) / "كُنْتُ قَدْ سَمِعْتُ": شنیده بودم ["كَانَ" + (قد) + "فعل ماضی" ← ماضی بعید در فارسی]
 بررسی اشتباهات سایر گزینه‌ها:

گزینه ۱: گفتم ← نقل کردم (گفتم، معادل دقیقی برای فعل "نَقَلْتُ" نیست!) / این ← اضافی است! / "الَّذِي" ← در ترجمه لحاظ نشده است! / می‌شنوم ← می‌شنیدم ["كُنْتُ أَسْمَعُ" معادل ماضی استمراری در فارسی است!] / او ← اضافی است!
 گزینه ۳: این (اول) ← اضافی است! / گفتم ← مانند گزینه (۱) / نیز ← اضافی است! / شنیده‌ام (ماضی نقلی) ← شنیده بودم ["كُنْتُ قَدْ سَمِعْتُ" معادل ماضی بعید در فارسی است!]
 گزینه ۴: داشتم ← اضافی است! / بارها ← همواره، دائماً ["بارها" ترجمه درستی برای "دائماً" محسوب نمی‌شود!] / شنیده بودم ← مانند گزینه (۱) / نقل می‌کردم ← نقل کردم ["نَقَلْتُ" یک فعل ماضی ساده است نه ماضی استمراری!] / هم ← اضافی است.

"کتب لی وصفه تحتوی علی... تحتوی در اینجا جمله وصفیه است که در گزینه ۱ وصفیه معنا نشده است. "وصفه" در گزینه ۴ به صورت معرفه ترجمه شده است.
 همچنین "أَيْضاً" به معنای "نیز" در گزینه ۱ و ۳ ترجمه نشده است.

"لیست مسموحه" به معنای مجاز نیست تنها در گزینه ۱ به درستی ترجمه شده است.
 "الاستفاده" در گزینه ۳ درست ترجمه نشده است.
 "حصته" و "امتحان" در گزینه ۲ و ۳ جمع معنا شده‌اند.

کلمات کلیدی: كُنْتُ أَفْكَّرْتُ: می‌اندیشیدم / فِي نَفْسِي: با خود، با خودم / هَلْ: آیا / يُمَكِّنُ: امکان دارد، ممکن است / أَنْ تَكُونَ قَدْ خُلِقْتَ: خلق شده باشد / كُلُّ مَا: هرآنچه / مِنْ دُونِ: بدون
 بررسی اشتباهات سایر گزینه‌ها:
 گزینه ۱: در اندیشه‌ام ← می‌اندیشیدم [كُنْتُ أَفْكَّرْتُ] ← معادل ماضی استمراری در فارسی! / که ← اضافی است / این ← اضافی است / همه‌چیز ← هرآنچه / که ← اضافی است / خلق شود ← خلق شده باشد
 گزینه ۲: فکر می‌کنم (مضارع اخباری) ← فکر می‌کردم (ماضی استمراری) / که ← اضافی است / آن ← آن‌ها (= آن دو)
 گزینه ۴: با خویشتن خود ← با خود، با خویش / این ... این ← اضافی است / آن ← آن‌ها (= آن دو) / خلق شود ← خلق شده باشد

بررسی کلمه‌های کلیدی (كُنْتُ أَحْسَسُ، سوف تمز):
 (۱) "كُنْتُ أَحْسَسُ": "احساس می‌کردم، حس می‌کردم" ← زمانی که "کان" بر سر فعل مضارع بیاید، معادل ماضی استمراری ترجمه می‌شود. ← رد
 گزینه‌های ۱ و ۳
 (۲) "سوف تمز": "خواهد گذشت" ← اولاً که "سوف" معنای مضارع را به آینده می‌برد و ثانیاً "تَمَزُّ" فعل مضارع معلوم است نه مجهول ← رد
 گزینه‌های ۱ و ۲

بررسی کلمه‌های کلیدی (لَبَيْتِي، كُنْتُ قَدْ تَعَلَّمْتُ، أَنْ لَأُحْزِنَ، أُوَاجِهُهُ):
 (۱) "لَبَيْتِي": به معنای "کاش" ← حرف مشبیه‌بالمفعول که برای تحقق کار دشوار و یا محال به کار می‌رود. ← رد گزینه‌های ۲ و ۴
 (۲) "كُنْتُ قَدْ تَعَلَّمْتُ": به معنای "آموخته بودم" ← فعل "كَانَ" + فعل ماضی = ماض بعید ← رد دیگر گزینه‌ها
 (۳) "أَنْ لَأُحْزِنَ": به معنای "غمگین (ناراحت) نکردم" ← فعل مضارع منصوب از باب "إفعال" متعدی ← رد دیگر گزینه‌ها
 (۴) "أُوَاجِهُهُ": به معنای "با آن مواجه می‌شوم" ← فعل مضارع در صیغه "لِلْمَتَكَلِّمِ وَحْدَهُ" در باب "مُفَاعَلَةٌ" ← رد سایر گزینه‌ها

ترجمه درست عبارت: "و بر ماست که آن‌ها را به راه درست زندگی هدایت کنیم!"؛ مشخص است که "در" معادلی در عبارت عربی ندارد.

رد گزینه‌ها:
 "دری": باتوجه به اینکه مفرد است "بَابًا". ← رد گزینه‌های ۲ و ۴
 "باز نکن": "لاتفتح" ← رد گزینه‌های ۳ و ۴
 "می‌شود": باتوجه به اینکه فعل مضارع است "تصبح". ← رد گزینه‌های ۲ و ۴
 "راه آسان": ترکیب وصفی است؛ بنابراین موصوف و صفت باید از لحاظ جنس یکی باشند. ← رد گزینه‌های ۲ و ۴

در این‌گونه از سؤالات ترجمه گزینه‌ها پشت سر هم می‌آیند؛ هر گزینه معنای گزینه قبل از خودش را کامل می‌کند و مطابقت آن‌ها الزامی است. موردی که در ترجمه گزینه "۱" به درستی نیامده: "كنت أبعد" ← "دوری می‌کردم" ← وقتی "كان" بر سر فعل مضارع می‌آید، معادل ماضی استمراری ترجمه می‌شود.

بررسی کلمه‌های کلیدی (كنتُ أعرِفُ، أقصی، مدینتنا، أفضی):

- (۱) "كُنْتُ أَعْرِفُ": به معنای "می‌شناختم" ← فعل مضارع اگر همراه "كَانَ" بیاید معادل ماضی استمراری ترجمه می‌شود. ← رد گزینه‌های ۲ و ۴
 (۲) "أقصی": به معنای "دورترین" ← اسم تفضیل است و باید معنای برتری داشتن بر چیز یا کس دیگری را داشته باشد و "ترین" در ترجمه‌اش بیاید. ← رد گزینه‌های ۲ و ۴
 (۳) "مدینتنا": به معنای "شهرمان" ← که ضمیر متصل "نا" باید ترجمه شود و ترکیب اضافی است. ← رد گزینه "۱"
 (۴) "أفضی": به معنای "می‌گذراندم" ← عطف به فعل "كنت أعرِفُ" که معادل ماضی استمراری است و قبل از آن آمده است؛ پس باید معادل ماضی استمراری ترجمه شود. ← رد سایر گزینه‌ها

بررسی کلمه‌های کلیدی (كانت ... ألحّت، أن لأحاکي، قدمي):

- (۱) "كانت ... ألحّت": "اصرار کرده بود" ← وقتی "كان" بر سر فعل ماضی بیاید، فعل معادل ماضی بعید ترجمه می‌شود. ← رد سایر گزینه‌ها
 (۲) "أن لأحاکي": "تقلید نکنم" ← فعل مضارع منصوب است که باید معادل مضارع التزامی ترجمه شود. ← رد گزینه‌های ۱ و ۲
 (۳) "قدمي": "پاهای خود" ← "قَدَمَينِ" اسم مثنی بوده ولی وقتی به ضمیر "ی" اضافه شده، "ن" از انتهای آن حذف شده است. ← رد گزینه‌های ۲ و ۳

دلایل رد گزینه‌های دیگر:

- (۱) "دوستم": "صدیقی" ← رد گزینه‌های ۳ و ۴
 (۲) "ندیده بودم": ماضی بعید است و این فعل در عربی از ترکیب (كان + فعل ماضی) ساخته می‌شود. ← رد سایر گزینه‌ها
 (۳) "گمان کردی": "ظننت" فعل ماضی است. ← رد گزینه‌های ۳ و ۴
 (۴) عدم تعریب "تو" (أول) ← رد گزینه "۲"

دلایل رد سایر گزینه‌ها:

- گزینه "۱":
 الف) "الأم" معرفه است اما در این گزینه چون بعد از آن "التي" آمده می‌توانیم "مادری" ترجمه کنیم.
 ب) در عبارت "الأولاد الأربعة" ← ضمیر "ها" در تعریب نیامده زیرا متن سؤال "چهار فرزند خود" است.
 گزینه "۲":
 الف) "قد البست" ← "پوشانده است"
 ب) "ملابس" ← "لباسها" در متن سؤال مفرد است.
 گزینه "۴":
 الف) "الأم" معرفه است به معنای "مادر"، در سؤال نکره است.
 ب) "كانت البست" ← "پوشانده بود" ولی در سؤال "می‌پوشاند" است.
 ج) "ملابس" ← "لباسها" در متن مفرد است.

بررسی کلمه‌های کلیدی (کانت... المتکوّنة، تخبب قلوبنا، علی تلال الرّمّل):

- ۱) "کانت... المتکوّنة": "تشکیل شده بود" ← رد گزینه "۴"
 ۲) "تخبب قلوبنا": "دل‌های ما را می‌ربود" ← به دلیل وجود "کان"، معادل ماضی استمراری ترجمه می‌شود.
 ترجمه نادرست سایر گزینه‌ها:
 گزینه "۱": "دل‌های ما را شیفته کرده بود"
 گزینه "۲": "دل‌ها را شیفته می‌کرد"
 گزینه "۴": "دل‌ها را می‌ربود"
 ۳) "علی تلال الرّمّل": "بر تپه‌های شن" ← ترکیب، ترکیب اضافی ← رد سایر گزینه‌ها

بررسی کلمه‌های کلیدی (کان... یؤکدون، إلی العلی):

- ۱) "کان... یؤکدون": "... تأکید می‌کردند" ← فعل ماضی استمراری
 ترجمه نادرست سایر گزینه‌ها:
 گزینه "۱": "تأکید... این بوده است"
 گزینه "۲": "تأکید بر این بوده که"
 گزینه "۴": "سفارش می‌کنند"
 ۲) "إلی العلی": "به بزرگی" ← رد سایر گزینه‌ها

بررسی کلمه‌های کلیدی (ذات یوم، السماوات، أصبحتا):

- ۱) "ذات یوم": به معنای "روزگاری، روزی" ← رد گزینه‌های ۱ و ۳
 ۲) "السماوات": به معنای "آسمان‌ها" ← جمع است نه مفرد ← رد گزینه‌های ۳ و ۴
 ۳) "أصبحتا": به معنای "شدند" ← فعل ناقصه به معنای "شد" یا "گردید" ← رد گزینه‌های ۱، ۳ و ۴

ترجمه متن:

پسندیده است که انسان از دوستانش تشکر کند، چراکه آن‌ها در مصیبت‌های روزگار یار و یاور او هستند و با آن‌ها، انسان شاد و خوشحال می‌شود و مأنوس می‌شود و همچنین انسان عادت کرده است که از دشمنش و از کسی که او را نقد و شماتت و ملامت می‌کند، فرار کند. ولی به دلیل اینکه چشم دوست عیب‌های دوستش را نمی‌بیند تا آنجا که چشم محبت و دوستدار این عیب‌ها را می‌پوشاند پس نتیجه همان باقی ماندن دوست بر عیب‌هایش است.

اما چشم دشمن، مشتاق و حریص جستجوی بدی‌ها است تا آن را آشکار کند. برای همین مجبور به دوری و پرهیز از عیب‌ها هستیم تا دشمن اقدام به افشای آن نکند که آن‌ها را وسیله‌ای برای تسلط بر ما قرار دهد و هرکس بفهمد که ممکن است اشتباه کند دنبال کسی می‌گردد که به او یادآوری کند و از نتایج توجه و مراقب بودن دشمن بر هر کوچک و بزرگی از ما این است که اشراف و تسلطمان بر اصلاح خود و تهذیب اخلاقمان زیاد می‌شود. پس این دیدگاه اگر تقویت شود و همه افراد ملت از سران و نویسندگان و ... به آن اعتقاد و باور پیدا کنند کشور پیشرفت می‌کند.

سؤال می‌پرسد: "چه زمانی اعلان نقص‌ها و افشای آن، کلیدی برای رسیدن به خوبی‌ها می‌شود؟" با توجه به متن زمانی که ما از خودمان توقع نداشته باشیم که کارهایمان شایسته و درست باشد.

باتوجه به متن فقط گزینه "۴" می‌تواند صحیح باشد. "بعضی اوقات دشمن بیشتر از دوست کمک می‌کند، چون هر لحظه ممکن است که دست به افشای خطای ما بزند."

مطلبی که ما از این متن نتیجه نمی‌گیریم این است که جامعه باید به دشمنان بیشتر توجه کند تا دوستان؛ چراکه بعضی وقت‌ها دشمن به علت اینکه در جستجوی بدی‌های ما است بیشتر از یک دوست کمک می‌کند.

با توجه به متن گزینه "۲" صحیح است. چراکه در متن هم داریم: دوست، کسی است که از عیب‌ها پرده‌برداری می‌کند نه اینکه پنهانش کند و ... دوستش او را از عیبش باخبر نکند.

بررسی کلمه‌های کلیدی (أعمال الکریم، تظاهره):

- ۱) "أعمال الکریم": به معنای "کارهای انسان بخشنده (کریم)" ← "أعمال" جمع است نه مفرد ← رد گزینه ۱
 ۲) "تظاهره": به معنای "تظاهر کردن او" ← ضمیر متصل "ه" در "تظاهره" باید ترجمه شود. ← رد سایر گزینه‌ها

ترجمه صحیح سایر گزینه‌ها:

- گزینه ۲: مادر، دانه‌ها را برای جوجه‌های کوچکش آوزد! [جاء ب: آوزد]
 گزینه ۳: از نیکوترین (بهترین) چیزی که دوست می‌دارند، بیش‌ازپیش انفاق می‌کنند!
 گزینه ۴: وقتی سخنران سخنرانی می‌کند، حاضران به او گوش می‌دهند!

"ترجمه متن"

جهان با گذشت هر دقیقه اختراع جدیدی را شاهد است که هیچ‌وقت آن را تصور نمی‌کردیم. هیچ‌کدام از ما گمان نمی‌کرد که دستگاه کامپیوتر از وسیله‌ای برای جمع‌آوری اطلاعات به وسیله‌ای که عواطف را احساس می‌کند تبدیل خواهد شد. پس ما زمانی که عصبانی شدیم یا احساس نگرانی و اضطراب کردیم، این دستگاه می‌تواند به ما آنچه را که دوست داریم برای از بین بردن عصبانیتان یا نگرانی‌تان پخش کند و همچنین ما را به گرفتن تصمیمات و راه‌کارهای مناسب راهنمایی کند. و از دیگر محاسن این دستگاه این است که امکاناتی دارد که می‌توانیم از آن در برخی از زمینه‌ها به‌خصوص در زمینه آموزش استفاده کنیم و برای مثال معلم از طریق این دستگاه درس می‌دهد و دانش‌آموزان در خانه‌هایشان از آن پیروی می‌کنند و تکالیف را دریافت می‌کنند و معلم می‌تواند بر کیفیت کار آن‌ها اشراف داشته باشد.

تنها گزینه‌ای که می‌تواند صحیح باشد گزینه "۲" است، چون همان‌طور که در متن گفته شد کامپیوتر در ابتدا وسیله‌ای برای جمع‌آوری اطلاعات بود و بعد تبدیل به وسیله‌ای برای انتقال عواطف شد.

ترجمه سایر گزینه‌ها:

- گزینه ۱: کامپیوتر نمی‌تواند به کار مهم آموزشی اقدام کند.
 گزینه ۳: هیچ امکانی برای پاسخ کامپیوتر به احساسات کاربران آن نیست.
 گزینه ۴: زمان اختراع کامپیوتر مردم می‌دانستند که آن همچون دوستی برای آنان خواهد شد.

صورت سؤال: "چه بسا در آینده مشاهده می‌کنیم....."

باتوجه به خط پایانی متن: "معلم از طریق کامپیوتر درس می‌دهد" و اینکه وسیله‌ای است برای تدریس اوست، پس قرار است تغییری در ساختار تدریس در مدارس را شاهد باشیم.

ترجمه سایر گزینه‌ها:

گزینه "۲": که مدرسه‌ها تعطیل می‌شوند و کامپیوترها به جای آن می‌آید.

گزینه "۳": کامپیوترها به جای معلم تدریس می‌کنند، پس نیازی به آن (معلم) نداریم.

گزینه "۴": تغییری است در منزلت و جایگاه معلم و دانش‌آموز، پس تبدیل و جابه‌جایی جایگاه آن دو را می‌بینیم.

تنها گزینه‌ای که باتوجه به متن اشتباه به نظر می‌رسد گزینه "۴" هست که می‌گوید: "معلم نمی‌تواند بر کار کاربر (استفاده‌کننده) اشراف داشته باشد، درحالی‌که در خط آخر متن داشتیم که معلم با کامپیوتر بر کار دانش‌آموزانش مسلط است و بر آن‌ها اشراف دارد.

ترجمه سایر گزینه‌ها:

گزینه "۱": ممکن است که بعدها انسان کامپیوتر را دوستی به جای انسانی دیگر برگزیند.

گزینه "۲": تخیلات انسان چه بسا تحقق پیدا کند، پس این رؤیا ممکن است امروز امری واقعی و حقیقی باشد.

گزینه "۳": چه بسا کامپیوتر در آینده همچون مدادی به کار گرفته شود که اشتباهات املائی را مرتکب نمی‌شود.

صورت سؤال: "آینده جهان را چگونه مشاهده می‌کنید؟"

تنها گزینه‌ای که اشتباه به نظر ما می‌رسد گزینه "۳" است که می‌گوید "قطار اختراعات متوقف می‌شود" درحالی‌که در جهان هیچ وقت قطار اختراعات متوقف نمی‌شود و هر لحظه ممکن است اختراعی جدید صورت پذیرد، بنابراین ادامه‌دار است.

ترجمه سایر گزینه‌ها:

گزینه "۱": ارتباطات میان مردم کم می‌شود.

گزینه "۲": انسان تنها می‌شود و احساس غربت می‌کند.

گزینه "۴": در برخی زمینه‌ها انسان احساس راحتی می‌کند.

ترجمه متن:

این زیبا است که انسان بتواند کارهایش را با فکر کردن و دانایی مقدر کند و از مشکلاتی که در آن‌ها افتاده است رها شود. ولی زیباتر از آن این است که انسان بصیرت داشته باشد پس مقدمات کارهایش را بسنجد و نتایج آن را مقدر کند و مواضع خلل در کارهایش را درک کند، پس برای جبران آنچه که از دست رفته است، تلاش کند تا در پرتگاه و لغزشگاهی نیفتد. پس هرکس حساب عواقب را نکند، از بدبختی‌ها و سختی‌ها در امان نمی‌ماند؛ و برای انسان آسان‌تر است که برای کارش قبل از وقوع آن چاره بیندیشد به جای اینکه خودش را مجبور کند راه‌هایی برای حل مشکلاتی که در آن افتاده است، پیدا کند. همچنین ملتی که در کارش قبل از وقوع آن فکر نمی‌کند و راه‌های زیادی برای مواجه شدن با بدبختی‌ها را ندارد، بهای گرانی را می‌پردازد.

پرتگاه‌ها و لغزشگاه‌هایی که انسان‌ها در آن‌ها می‌افتند، اجازه تفکر کردن در مورد راه نجات را از آنچه در آن افتاده‌اند نمی‌دهد بلکه اتفاق خودش بر او مسلط می‌شود، پس در این زمان هیچ چاره‌ای برای انسان جز قبول کردن کار نیست.

"برای انسان آسان‌تر است که به کارش قبل از وقوع آن فکر کند، زیرا"

با توجه به متن انسان باید قبل از وقوع و رخ دادن کار فکر کند چون اگر بدون فکر اقدام کند عواقب جبران‌ناپذیری در پی خواهد داشت و باید مشکل کار در ابتدا، که بزرگ نیست، حل شود.

ترجمه سایر گزینه‌ها:

گزینه ۱: "ایستادن بعد از سقوط در لغزشگاه هیچ‌وقت برای انسان اتفاق نمی‌افتد."
گزینه ۲: "افتادن در پرتگاه‌ها باعث می‌شود که قادر به فکر کردن و بصیرت نباشیم."
گزینه ۴: "درک کردن مواضع خلل و تلاش در جبران آن‌ها مگر بعد از افتادن در آن، امکان ندارد."

"مفهوم دور از متن این است که"

مفهوم دور از متن این است که ما فکر کنیم و بعد بگوییم باقی کار با خدا و کاری انجام ندهیم. نه این‌طور نیست و با توجه به متن انسان باید ابتدا نسبت به عواقب کاری که می‌خواهد انجام دهد فکر کند و در پایان به خدا توکل کند.

ترجمه گزینه‌ها:

گزینه ۱: "انسان می‌اندیشد و خدا مقدر می‌کند."
گزینه ۲: "چه بسا مجرمی که توبه نمی‌کند."
گزینه ۳: "قبل از ورود به خروج کردن فکر کن."
گزینه ۴: "منع کردم بهتر از درمان است."

"چه چیزی برای انسان زیباتر است؟" گزینه غلط کدام است؟

با توجه به متن، گزینه ۴ اشتباه است چراکه آنچه برای انسان زیباتر می‌باشد این است که قبل از وقوع کارها نسبت به آن‌ها و عواقبشان بیندیشد و اگر مشکلی پیش آمد نسبت به رفع آن اقدام کند.

ترجمه گزینه‌ها:

گزینه ۱: "شناخت بدبختی و مصیبت‌ها قبل از روبه‌رو شدن با آن‌ها"
گزینه ۲: "جستجوی راه‌حل‌های مناسب قبل از بروز مصیبت‌ها"
گزینه ۳: "بصیرت حکیمانه برای گذشتن از موانع"
گزینه ۴: "تلاش برای خارج شدن از مشکلاتی که دچار آن‌ها شده است."

"ملت پیروز همان است که"

با توجه به موضوع متن، ملتی موفق و پیروز است که راه‌حل‌های بیشتری برای مشکلات داشته باشد.

ترجمه گزینه‌ها:

گزینه ۱: "پاسخ‌ها بیشتر از مسائلی است."
گزینه ۲: "مسائل آن بیشتر از راه‌حل‌های آن است."
گزینه ۳: "گذرگاه بعد از حادثه ادامه پیدا می‌کند."
گزینه ۴: "بعد از ایجاد دیوار به پنجره فکر می‌کند."

"الغد المضيء": فردای روشنی‌بخش / "یتعلّق بمن": از آن کسی است (به کسی تعلق دارد) / "يعرفُ اليوم": که امروز را بشناسد / "و یتتفع به": و از آن سود ببرد / "بأحسن وجه": به بهترین وجه

ترجمه متن: به راستی دوست وفادار گنجی با ارزش است که به دست آوردن آن سخت است و آن در بسیاری از اوقات بهتر از برادر است و آن وسیله‌ای در سختی و سرچشمه هدایت و نوری در تاریکی روزگار و یاری‌کننده‌ای در سختی‌ها است؛ و دوستی خالص نیست جز زمانی که از عیب خودخواهی، تهی (خالی) شود و اگر قلب فردی در هنگام درد و رنج دوستش، احساس درد نکند، پس چنین دوستی بی‌معنی است.

سختی‌ها معیار برادری است و دوست وفادار جز در سختی شناخته نمی‌شود و جز در نیازمندی آزمایش نمی‌شود پس آن هنگام که انسان در نعمتی باشد، دوستان از هر طرف به سوی او می‌آیند بلکه دشمن به دوست تبدیل می‌شود ولی آن زمان که نعمت‌هایش کم شود به اطرافش می‌نگرد درحالی‌که دنبال آن دوستان می‌گردد پس اثری از آن‌ها یافت نمی‌کند و به‌رحال افراد با اخلاص و پاک کم هستند و افراد چاپلوس زیاد.

انسان در زمینه دوستی باید آگاه باشد و باید بداند که دوست واقعی کسی است که هر زمان سخن بگوید راست باشد و هر زمان خواسته شود، اجابت کند. پس دوستی با حادثه‌ها نمی‌لرزد و حوادث روزگار آن را ضعیف نمی‌کند.

گزینه ۲

۱۳۱

صورت سؤال ← "گزینه غلط کدام است؟ دوست همان است."

باتوجه به سطرهای آغازین متن دوست صاحب یک گنج نیست بلکه خودش گنجی ارزشمند است.

ترجمه سایر گزینه‌ها:

گزینه ۱: "یاری‌دهنده در سختی‌ها"

گزینه ۳: "همراه در روزهای وحشت"

گزینه ۴: "ستاره‌ای که به وسیله آن انسان هدایت می‌شود."

گزینه ۱

۱۳۲

صورت سؤال ← "بر اساس متن، چه زمانی دشمن به دوست تبدیل می‌شود؟ زمانی که"

باتوجه به متن زمانی دشمن به دوست تبدیل می‌شود که انسان در نعمت‌های فراوان باشد و در این زمان همه از هر طرف به سمتش می‌آیند و حتی دشمن هم تبدیل به دوست می‌شود.

ترجمه سایر گزینه‌ها:

گزینه ۲: "اخلاق و کارهای انسان نیکو و پاک باشد."

گزینه ۳: "دشمن در بین ما خودپرستی را نبیند."

گزینه ۴: "مواهب دشمن کم شود و کمک کردن ما متوقع شود."

گزینه ۴

۱۳۳

صورت سؤال ← "توصیفی که در متن در مورد دوست نیامده است را معین کن:"

تنها چیزی که در وصف دوست در متن نبود موضوع احترام است که در گزینه "۴" آمده است.

ترجمه سایر گزینه‌ها:

گزینه ۱: "برای انسان بهتر از برادر است."

گزینه ۲: "هر زمان برای کاری او را صدا بزنی می‌شنود و پاسخ می‌دهد."

گزینه ۳: "دوستش را بر خودش ترجیح می‌دهد."

گزینه ۱

۱۳۴

صورت سؤال ← گزینه‌ای که با مفهوم متن مرتبط نیست را معین کن:

همه گزینه‌ها به جز گزینه "۱" که اشاره به راست گفتن و صادق بودن در کارها دارد، به موضوعاتی که در متن آمده است اشاره دارد. از قبیل: انتخاب دوست - آزمایش کردن دوست - شناخت درست دوست

ترجمه سایر گزینه‌ها:

گزینه ۲: "بعد از آزمایش انسان، ملامت یا ستایشش کن."

گزینه ۳: "خداوند سختی‌ها را با خیر و نیکی پاداش می‌دهد زیرا به وسیله آن دوست خود را از دشمن شناختم."

گزینه ۴: "و هیچ خیری در دوستی با انسان دورو نیست، چون به هر سمت که باد می‌وزد او هم به همان سمت متمایل می‌شود."

بررسی کلمه‌های کلیدی (إِنَّ الْأَيَّامَ، تُشْغِلُنَا، لِأَتْفِيدُنَا):

- ۱) "إِنَّ الْأَيَّامَ": "قطعاً ایام (قطعاً روزگار)" ← "إِنَّ" حروف مشبهة بالفعل دارای تأکید است. ← رد سایر گزینه‌ها
 ۲) "تُشْغِلُنَا": "ما را مشغول می‌کند" ← فعل مضارع ← رد گزینه‌های ۱ و ۴
 ۳) "لِأَتْفِيدُنَا": "برای ما سودمند نیستند" ← فعل مضارع ← رد سایر گزینه‌ها

"هذه سِنَّةٌ جَمِيلَةٌ": این یک سنت زیبا است. / "بِأَنَّنا نَنْهَضُ": که برمی‌خیزیم / "من مَكَاننا": از جایمان / "لَمَّا": زمانی که / "يَدْخُلُ عَلَينا": بر ما وارد می‌شود. / "صَيْفٌ جَدِيدٌ": مهمانی جدید

ترجمه متن:

قصه‌های قدیمی کودکان با اتفاقاتی که گرگ یکی از قهرمانان آن است، پر می‌شود و انسان و گرگ دو دشمن شده‌اند که نسبت به یکدیگر دشمنی می‌کنند. از ویژگی‌های گرگ، سرعتش در حرکت است. پس آهو با وجود سرعت بالایش خسته می‌شود؛ اما گرگ میانگین سرعتش را حفظ می‌کند که می‌تواند به آن (آهو) دست یابد.
 گرگ با یک توانایی ویژه دیگر متمایز می‌شود؛ به طوری که می‌تواند حیوان بزرگی را بلند کند و به مسافت دور حمل کند. گرگ‌ها به صورت انفرادی یا زوج در جنگل‌ها یا مناطق کوهستانی زندگی می‌کنند و فقط در فصل زمستان برای جستجوی غذا جمع می‌شوند. و هرچقدر سرما بیشتر شود، خطر و جرئت گرگ‌ها بیشتر می‌شود.
 گرگ‌ها روز می‌خوابند و شب برای شکار بیرون می‌آیند و هنگامی که به پایان زمستان می‌رسند، ماده‌گرگ به دنبال جایی مناسب برای تولد کودکانش می‌گردد. کودکان در روزهای اول توانایی دیدن ندارند، پس مادر از آن‌ها مراقبت می‌کند؛ ولی بعد از مدتی به خودشان تکیه می‌کنند.

ترجمه صورت سؤال: ماده‌گرگ چه زمانی تولد فرزندش را احساس می‌کند؟

- باتوجه به متن، ماده‌گرگ در آخر زمستان به دنبال مکانی برای تولد فرزندانش می‌گردد. نزدیک‌ترین گزینه به این زمان، گزینه ۳؛ یعنی هنگام نزدیک شدن بهار است.
 ترجمه سایر گزینه‌ها:
 گزینه ۱: هنگامی که سرما شدید می‌شود.
 گزینه ۲: زمانی که باران می‌بارد.
 گزینه ۴: در ابتدای تابستان

باتوجه به پاراگراف پایانی متن، ماده‌گرگ در روزهای ابتدایی زندگی فرزندان از آن‌ها مراقبت می‌نماید. در گزینه ۴ به خلاف این موضوع اشاره شده است.

ترجمه گزینه‌ها:

- گزینه ۱: هنگامی که خورشید طلوع می‌کند، گرگ در خواب است.
 گزینه ۲: گرگ در زمان‌های تاریک به دنبال غذایش می‌گردد.
 گزینه ۳: امکان وجود گرگ در مناطق کوهستانی بعید نیست.
 گزینه ۴: مادر مسئولیت زندگی را از همان ابتدا بر عهده فرزندانش می‌گذارد.

ترجمه صورت سؤال: خطا در توصیف گرگ را مشخص کنید:
 بر اساس پاراگراف دوم متن، گرگ‌ها در جنگل‌ها زندگی می‌کنند؛ بنابراین گزینه ۴ غلط است.
 ترجمه گزینه‌ها:
 گزینه ۱: سرعتش از آهو کمتر است.
 گزینه ۲: قوی‌هیکل است و گاهی اوقات تنها زندگی می‌کند.
 گزینه ۳: خطرش در تابستان کمتر است.
 گزینه ۴: هرگز بین درختان زندگی نمی‌کند.

ترجمه صورت سؤال: متن از موضوع تولد فرزندان در مورد... صحبت نکرده است.
 در متن هیچ اشاره‌ای به تعداد فرزندان گرگ نشده است.
 ترجمه گزینه‌ها:
 گزینه ۱: تعداد فرزندان
 گزینه ۲: چگونگی مراقبت
 گزینه ۳: حالت فرزندان
 گزینه ۴: مکان تولد

بررسی کلمه‌های کلیدی (لم أَدْع، دُرُوسِ):
 (۱) "لم أَدْع": به معنای "رها نکردم" - فعل مضارع مجزوم به "لم" در صیغۀ "للمتکلم وحده" است. وقتی "لم" بر سر فعل مضارع بیاید، معادل ماضی منفی یا ماضی نقلی منفی ترجمه می‌شود. - رد گزینه‌های ۱ و ۲
 (۲) "دُرُوسِ": به معنای "درس‌هایم" - ترکیب اضافی - ضمیر "باء" متکلم باید ترجمه شود. - رد گزینه‌های ۲ و ۳

ترجمه متن:

در زندگی پدیده‌های شگفت‌انگیزی وجود دارد که ما را به اعتراف و تفکر در مورد وجود قدرتی دانا و حکیمانه دعوت می‌کند. به‌عنوان مثال این دو موضوع زیر را بخوانید:
 پس از تحقیقاتی که در بزرگ‌ترین شبکه تارهای عنکبوت (آنچه که عنکبوت مانند خانه می‌سازد) انجام شد، دانشمندان به تازگی تصمیم گرفتند که به تغییراتی در رادارهای فعلی بپردازند. حین این تحقیقات معلوم شد که عنکبوت منتظر نمی‌ماند تا حشرات به سویس بیایند بلکه تارهایش را مانند رادار استفاده می‌کند تا حشرات به سمتش بیایند و در همان موقعیت‌هایی که رادار عنکبوت تعیین می‌کند حرکت کنند.
 و اما دومین آیه کریمه: "بر خورشید شایسته نیست که بر ماه پیشی گیرد و بر شب نیز شایسته نیست که بر روز پیشی گیرد و هر آنچه در آسمان است خدا را ستایش می‌کند"، که به یک واقعیت علمی اشاره دارد و آن این است که زمین و ماه به خورشید برخورد نمی‌کنند. این ستارگان و سیارات مختلف همگی با نظم همراه با محاسبات دقیق حرکت می‌کنند.

ترجمه پاسخ صحیح: شکار بعضی وقت‌ها راهی را که شکارچی آن مشخص می‌کند، انتخاب می‌کند.
 ترجمه سایر گزینه‌ها:
 گزینه ۱: "عدم برخورد خورشید و ماه نشانه حرکت آسمان‌ها است."
 گزینه ۳: "تار عنکبوت مدام منتظر آمدن حشره است تا عنکبوت آن را شکار کند و بخورد."
 گزینه ۴: "دانشمندان به ساختن شکلی از رادار براساس تارهای عنکبوت اقدام کردند."

صورت سؤال: دانشمندان به تازگی توانسته‌اند راداری بسازند که تعیین می‌کند
ترجمه پاسخ: مسیر حرکت هدف را آنچنان که مطلوب است.
ترجمه سایر گزینه‌ها:
گزینه "۱": مکان شکار مورد نظر را با دقت
گزینه "۲": زمان حرکت شی و نوع و کیفیت آن
گزینه "۴": هدف را در نهایت دقت و سرعت

صورت سؤال: مقصود از آیه (و کُلُّ فِی فَلَکٍ یَسِیْحُونَ) چیست؟
ترجمه پاسخ: حرکت آسمان‌ها و حمد و سپاس آن‌ها در مدارهایی ثابت و معین
ترجمه سایر گزینه‌ها:
گزینه "۱": زیادی آفریده‌ها و اجرام آسمانی
گزینه "۲": عبادت موجودات و حمد و سپاس آنها در آسمان‌ها
گزینه "۴": مشغول بودن ستارگان آسمانی به حمد پیرامون اجرام آسمانی

سؤال، به دنبال یافتن نزدیک‌ترین مفهوم به متن است که با توجه به ترجمه، گزینه "۴" صحیح است.
ترجمه پاسخ: قطعا کارهای دنیا به حکم خالق حکیم جاری است.
ترجمه سایر گزینه‌ها:
گزینه "۱": کارها نزد خداوند برانگیخته می‌شوند.
گزینه "۲": در هر رویدادی به خداوند اطمینان کن.
گزینه "۳": شکر جوانمرد از خدا به مقدار نعمتش است.

ترجمه متن:

جهان روزانه یک یا بیشتر از انواع گیاه یا حیوان را از دست می‌دهد و این یعنی کاهش ارتباط بین انسان و طبیعت. بدون شک این حمله و مقابله بر کیفیت زندگی انسان اثر می‌گذارد و او را با بسیاری از سختی‌ها مواجه می‌سازد.
از دلایل این اتفاق، تخریب طبیعت به دست انسان است، همان‌گونه که برمی‌گردد به پرداختن او به شکار بعضی حیوانات برای استفاده از آن‌ها در خریدوفروش یا او را می‌بینیم که به اسیر کردن بعضی از حیوانات می‌پردازد تا آن‌ها را در باغ‌وحش عرضه کند یا در قفس‌های خانه‌ها قرار دهد.
در سال‌های گذشته و پس‌ازاینکه برخی از حکومت‌ها احساس کردند - از طریق مؤسسات و گروه‌های ملی و خواسته‌های مردم - که خطری جامعه انسانی را تهدید می‌کند، به اجرای برخی از قوانین برای جلوگیری از گسترش این اقدامات ویرانگر پرداختند که نتایج آن مطلوب بوده است.

ترجمه گزینه‌ها:
گزینه ۱: علت اساسی در انقراض برخی از حیوانات این است که انسان به تخریب طبیعت پرداخته است. اشتباه است زیرا یکی از این دلایل، تخریب طبیعت به دست انسان است.
گزینه ۲: بعضی از کشورها توانستند از خطر گسترش انقراض حیوانات و تخریب طبیعت جلوگیری کنند.
گزینه ۳: خواسته‌های مردم و حکومت تنها علت اجرای قوانین در زمینه حفاظت از طبیعت است. اشتباه است زیرا مؤسسات و گروه‌های ملی نیز نقش داشته‌اند.
گزینه ۴: تمام حکومت‌ها به اجرای قوانین جلوگیری‌کننده از تخریب طبیعت و قطع درختان و شکار حیوانات اقدام کرده‌اند. اشتباه است زیرا بعضی از حکومت‌ها این کار را انجام داده‌اند.

ترجمه سؤال: متن از کدام خطر اساسی صحبت می‌کند؟
 باتوجه به متن کاهش ارتباط بین انسان و طبیعت و متعاقب آن فراموش شدن اثر طبیعت بر زندگی انسان، همان خطر اساسی است که به این موضوع در گزینه ۲ اشاره شده است.
 ترجمه سایر گزینه‌ها:
 گزینه ۱: شکار حیوانات و خوردن گوشتشان
 گزینه ۳: درختان و گیاهانی که برای فروش عرضه می‌شوند.
 گزینه ۴: قوانین اساسی برای تشدید انقراض حیوانات و طبیعت

ترجمه سؤال: موضوعاتی که به ترتیب در متن آمده عبارت‌اند از:
 باتوجه به متن، گزینه ۳ صحیح می‌باشد زیرا خلاصه سه پاراگراف متن به ترتیب در آن آمده است.
 ترجمه گزینه ۳: ارتباط بین انسان و طبیعت، علل ایجاد مشکلات، اقدام و رویارویی حکومت‌ها

ترجمه سؤال: کدام موضوع در متن نیامده است؟
 باتوجه به ترجمه گزینه‌ها، به موضوع گزینه ۴ در متن اشاره‌ای نشده است.
 گزینه ۱: نتیجه آنچه برخی حکومت‌ها در مقابل تصرفات انسان انجام داده‌اند.
 گزینه ۲: آوردن بعضی مصادیق عاقبت کارهای انسان
 گزینه ۳: دلایل صید حیوانات
 گزینه ۴: بیان راه‌هایی برای جلوگیری از آنچه از دست‌رفته

"شیئاً جمیلاً" ترکیب وصفی نکره است پس باید موصوف یا صفت به صورت نکره ("با ی") ترجمه شوند. ← رد گزینه‌های ۲ و ۳
 "الاجمل" معرفه است و ترجمه آن به صورت نکره اشتباه می‌باشد. ← رد گزینه ۳
 "تفقد" فعل مضارع است به معنای "از دست می‌دهی". ← رد گزینه‌های ۱ و ۲
 در صورتی که بعد از اسم تفضیل مضاف‌الیه نباشد، اسم تفضیل به صورت صفت تفضیلی (تر) ترجمه می‌شود. ← رد گزینه ۱